

بسمه تعالی

گزارش توصیفی - تحلیلی در رابطه با مصوبه اخیر مجلس برای تعطیلات آخر هفته

بخش اول: گزارش توصیفی

مقدمه

مبتنی بر مرور تعداد بالای گزارش‌های رسانه‌ای در چهار ماهه اخیر (بیشتر از ۱۰۰ گزارش) می‌توان گفت در رابطه با افزایش تعطیلات و تعطیلی روز شنبه به جای ۵ شنبه، در ظاهر دو جریان وجود دارند. جریانی که به جهت حضور در ساختارهای رسمی و قدرت رسانه‌ای بیشترین پوشش رسانه‌ای را یافته است و جریانی که حضور جدی نداشته و تنها به طرح احتمالاتی بسنده کرده است.

در واقع یک جریان فعال سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای حول افزایش تعطیلات با تأکید بر روی تعطیلی شنبه‌ها در میان اقشاری از جامعه فعال شده و در راستای پیشبرد و تحقق تعطیلات شنبه، به شکل متناوب و ظاهراً برنامه‌ریزی شده اقدامات مختلفی انجام داده است. انجام مصاحبه‌های متعدد، گفت‌وگو با افراد و مجموعه‌های خاص، تولید و انتشار گسترده اخبار مرتبط با تیتراهای جهت‌دار، ارائه تحلیل‌های مختلف، صدور بیانیه، ... جهت همراه‌سازی سیاسی - اجتماعی را سامان داده‌اند. ضروری، لازم و مفید بودن تعطیلی روز شنبه نتیجه و پیامد این فعالیت‌های شبه‌جریانی و گفتمانی بوده است.

محل گفتگوها و نزاع را می‌توان در دو سطح بیان کرد.

یکم) ضرورت یا عدم ضرورت افزایش تعطیلات هفتگی و کاهش ساعت اداری؛

دوم) گزینش ایام تعطیلی: ۵شنبه - جمعه و جمعه - شنبه.

متن فرارو با بررسی صحنه موجود، ارائه ادله موافقین و مخالفین تلاش خواهد کرد تا تحلیلی از پاسخ‌ها به دو پرسش فوق را ارائه داده و نسبت به پاسخ‌های ارائه شده اتخاذ موضع نماید.

یکم) افزایش تعطیلات

برخی بر روی کاهش ساعات کاری و نتایج و عواض آن تمرکز دارند، آن را برای کشور مهم می‌دانند و برای آن استدلال می‌آورند. برای این دسته، اصل تعطیلی، مهم‌تر از روز آن است. در واقع می‌توان گفت که شروع موضوع افزایش تعطیلات و مباحث حاشیه‌ای آن، از این احساس ضرورت آغاز شده است.

ادله موافقین افزایش تعطیلات

عمده دلایل این دسته مبتنی بر قوانین و اسناد بالادستی بوده و دلایل به شکل عبارت‌های کلی بیان می‌شوند. تقریباً این دسته از دلایل توسط نمایندگان مجلس و دولت بیان شده‌اند.

۱) نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی؛

۲) ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی؛

۳) توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری؛

۴) توجه به اثربخشی و کارایی در فرآیندها و روش‌های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه

خدمات کشور و خدمات‌رسانی برتر؛

۵) ارتقای بهره‌وری نیروی کار؛

۶) اثر بر حوزه گردشگری، کاهش آلودگی هوا، ...

ادله مخالفین افزایش تعطیلات

عمده دلایل این دسته مبتنی بر وضعیت اقتصادی کشور، دولت و بخش خصوصی هستند که با توجه به تجربیات گذشته، نسبت به عوارض این تغییرات خوش بین نیستند.

۱) کاهش راندمان کاری به وضعیتی بدتر از آنچه اینک نظام اداری و کاری گرفتار آن است؛

۲) طولانی شدن فرایندهای اداری به علت افزایش تعطیلات و بین‌التعطیلی‌ها که کشور را در یک

وضعیت بلاتکلیفی قرار می‌دهند و ... که در نهایت به نارضایت‌مندی بیشتر مردم از دستگاه‌های دولتی

و حاکمیتی منجر خواهد شد؛

۳) زیان عمده شغل‌های آزاد و غیر دولتی - اداری که زیان‌های اقتصادی کلانی را در پی خواهد داشت؛

۴) تحت تأثیر قرار گرفتن کارگران موقت و کاهش امکان‌های کاریابی آنها برای تامین حداقل از درآمدها و

نتایج گسترده آن برای جامعه؛

۵) بالا رفتن هزینه‌های کارفرمایی و تولید، با افزایش تعطیلات و بلاتکلیفی‌های ناشی از آن؛

دوم) گزینش روز تعطیلات

الف) گزینش تعطیلی روز شنبه

۱) ادله موافقین شنبه

تقریباً می‌توان گفت که کل دلایل موافقان تعطیلی شنبه به یک دلیل بازگشت دارند. این دلیل اقتصادی و مرتبط با تجارت بین‌المللی ایران با جهان بوده است:

۱) هماهنگ شدن با الگوی جهانی؛

۲) افزایش زمان برای فرایندهای تجاری و مبادلات با بازارهای جهانی و منطقه‌ای؛

۳) افزایش زمان برای مراودات بانکی و گمرکی؛

۴) توسعه اقتصاد گردشگری؛

۵) بین‌المللی شدن بازارها از جمله بازار سرمایه و بورس؛

۶) کاهش هزینه‌های مبادله و زیان اقتصادی تعطیلات؛

۷) مبادله‌پذیر کردن بیشتر خدمات؛

۸) کاهش انزوای بین‌المللی؛

۹) افزایش بهره‌وری و فراهم‌سازی زمینه‌های پیشرفت به واسطه ارتباط موثرتر در آینده پیش‌رو با دنیا؛

۱۰) افزایش روزهای کاری مشترک با دنیا به جای سه روز به چهار روز در هفته؛

۱۱) انتقال یک پیام مهم به دنیا که ایران به دنبال افزایش تعاملات و همکاری با دیگر کشورها برای تقویت

روابط اقتصادی خود است.

۲) بررسی ادله موافقین شنبه

یکم) عموم این استدلال‌ها توسط افراد و مجموعه‌های خصوصی مرتبط با مباحث تجاری و بازرگانی تولید شده و به شکل‌های مختلف در فضای عمومی و نخبگانی منتشر شده‌اند.

دوم) تنها بعد اقتصادی این تصمیم را مورد لحاظ قرار داده است که نقطه کانونی همه استدلال‌ها «افزایش زمان هماهنگ با تعطیلات جهانی بالا رفتن مبادلات اقتصادی» است؛

سوم) راه‌های جایگزین مؤلفه‌های کمی (تراز تجاری و ...) را توجه نکرده و استدلال خاصی برای مؤلفه‌های کیفی (کاهش انزوا و انتقال پیام و ...) ارائه نداده است؛

چهارم)

ب) گزینش تعطیلی روز ۵ شنبه

۱) ادله مخالفین تعطیلی روز شنبه و موافق تعطیلی ۵ شنبه

در مقابل این جریان گسترده تولید محتوا، معدود افرادی بوده اند که در مخالفت با تعطیلی روز شنبه استدلال‌هایی آورده اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

- ۱) عدم ارتباط طیف گسترده‌ای از دستگاه‌های دولتی با ارتباطات و تبادلات اقتصادی بین‌المللی؛
- ۲) چند تقویمی بودن (قمری، شمسی) تقویم کشور و اضافه شدن تقویم میلادی در مناسبت‌های مختلف مذهبی، ملی و جهانی؛
- ۳) مناسکی و فرهنگی بودن روز ۵ شنبه و انجام فرایض دینی و زیارت اهل قبور و ... در این روز؛
- ۴) منع شرعی و مشابهت با یهود با تعطیلی روز شنبه؛
- ۵) داشتن آثار منفی مالی برای دولت؛
- ۶) داشتن آثار منفی مالی برای واحدهای تولیدی؛
- ۷) افزایش روزهای بین تعطیلی و ایجاد سردرگمی به مناسبت‌های مختلف در طول سال؛
- ۸) نیمه تعطیل بودن ۵ شنبه‌ها در حال حاضر

۲) بررسی ادله

یکم) بیشینه ادله این جریان، در پاسخ به ادله جریان سابق است. بیشتر از آن که به ادله تعطیلی ۵ شنبه پردازند ادله تعطیلی شنبه را نقض کرده و یا پاسخ داده‌اند؛

دوم) علاوه بر این نسبت به برخی ابعاد اجتماعی - سیاسی تعطیلی نیز توجه نموده‌اند؛

سوم) به صورت اندماجی و ارتکازی نسبت به مفهوم زمان و آثار و تبعات آن بصورت اجمال اشاراتی داشته‌اند؛

چهارم)

سوم) چگونگی پیشبرد اقدامات و مباحث توسط موافقان تعطیلی روز شنبه

جریان پیش‌برنده تعطیلی روز شنبه، تلاش کرده در دو مسیر اهداف خود را جلو برد: یکم) به صورت ایجابی و با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای و گفتمان‌سازی، استدلال‌های خود را در افکار عمومی و میان نخبگان

سیاسی و اقتصادی بگستراند؛ دوم) پاسخ‌هایی برای برخی از استدلال‌های مخالف فراهم کرده در معرض دید عموم قرار دهد. این بخش از فعالیت البته به جهت نبود جریان‌های اثرگذار مخالف از سهولت بیشتری برخوردار بوده است. می‌توان مدعی این بود که در حال حاضر جریان خاصی در برابر حجم گسترده جریان موافق تعطیلی روز شنبه در فضای کشور شکل نگرفته است. این جریان به خوبی توانسته با مسکوت گذاشتن برخی مخالفت‌های ایجاد شده از یک سوی و مواجهه با برخی مخالفت‌هایی که با ذائقه عمومی سازگاری ندارد، فضای عمومی و نخبگانی را به نفع جریان و تفکر خود همراه سازد. برخی جهت‌گیری‌های ایجابی و سلبی این جریان را با ملاحظه‌هایی که می‌توان نسبت به آن داشت را در جدول زیر فراهم آورده‌ایم:

الف: جهت گیری های ایجابی

جهت گیری متن ها	گویه ها	ملاحظات
خارج کردن بحث "اصل تعطیلی" از ذهنیت جامعه	تعطیلی که خوب است.	علی رغم امکان بحث از اصل تعطیلی و ضررهای ممکن یا حتمی آن، مفید و ضروری بودن آن مفروض گرفته شده است.
ایجاد یک احساس مثبت در کارمندان و کارگران مبنی بر کاهش ساعت کاریشان	یک قدم تا تعطیلی دو روزه برای ... کاهش ساعت کاری برای ... از سال آینده	این احساس مثبت ربطی به روز خاص ندارد.
همراه سازی عمومی ذی نفعان اجتماعی	تمامی اقشار / اصناف اداری / استخدای	این شمولیت ربطی به تعطیلی روز خاص ندارد.
گره زدن حس مثبت نسبت به تعطیلات با تعطیلی روز شنبه	دوراهی شنبه و پنج شنبه؟ دوراهی ۵ شنبه و شنبه به پایان رسید؟ کدام تعطیلات به نفع کشور است؟	در واقع در این متن ها مخاطب در میان یک دوگانه قرار می گیرد و مبتنی بر متن به این نتیجه می رسد که تعطیلی خوب، تعطیلی شنبه است.
ایجاد یک حس تعلیق در مخاطب که بالاخره چه می شود (فشار / انتظار اجتماعی).	در آستانه تغییر تقویم تعطیلات به شنبه؟ بالاخره تعطیلی شنبه ها چه شد؟ تکلیف تعطیلی شنبه ها چه شد؟ یک گام تا تعطیلی شنبه ها؟ بالاخره شنبه ها تعطیل می شود؟ تعطیلی شنبه ها از کی اجرا می شود؟ ادامه سرگیجه ، شنبه را زودتر تعطیل کنید. فرسایشی شدن طرح. ضرورت تصویب سریع	ایجاد یک مطالبه عمومی برای تعطیلی روز شنبه و یک تصویر که تعطیلی مساوی با روز شنبه است.
بالا نشان دادن موافقان تعطیلات شنبه	افزایش درخواست ها برای تعطیلی شنبه ها	بزرگ نمایی غیر واقعی و کمی درخواست ها
بالا بردن منفعت حاصل از تعطیلی روز شنبه و ضررهای عدم تعطیلی آن	باعث گسست روابط اقتصادی ما با دنیا کاهش هزینه های تجاری و بازرگانی کاهش خسارت ها و هزینه های جبران ناپذیر	در این زمینه بر خلاف رویه های علمی، بزرگ نمایی زیادی صورت گرفته است. در حالی که اقتصاد ایران پیچیده بوده و یک عامل نمی تواند اثرات گسترده ای در وضعیت اقتصادی ما بوجود آورد.

	افزایش بهره‌وری اقتصادی	
	حل شدن مشکلات اقتصادی	
	توسعه اقتصاد گردشگری	
	کاهش انزوای بین‌المللی	
	همگام‌سازی اقتصاد/سیاست با بازار جهانی	
	افزایش رفاه در جامعه	
	صرفه‌جویی در انرژی	
بالا بردن سطح مسئله در سطح سیاسی و پنهان کردن سایر زوایای مسئله	ساختار حکومت آماده تعطیلی شنبه‌ها است	برچسب‌زنی تغییر تعطیلات از شنبه به پنج‌شنبه به عنوان یک مسئله حاکمیتی
	دولت هم به همین نتیجه مجلس رسیده است	
کاهش مخالفت و مقاومت هویت اسلامی جامعه اسلامی برای پیشبرد طرح	تعطیلی شنبه در اکثر کشورهای اسلامی	شایع بودن تعطیلی شنبه‌ها در کشورهای جهان و کشورهای اسلامی
	تعطیلی ۷۰ درصدی شنبه در کشورهای جهان	
	ما باید خود را با دنیا در تعطیلات وفق دهیم.	
	تعطیلات ما از نرم جهانی کمتر است.	

ب) جهت گیری های سلبی

جهت گیری متن ها	گویه ها	ملاحظات
سیاسی کردن مخالفت با تعطیلی شنبه	مخالفت تندروها با هماهنگی با دنیا	استفاده از جبهه گیری ها سیاسی در پیشبرد طرح
	مخالفت دولت رئیسی با تعطیلی روز شنبه	
	لج بازی برخی از ارکان قدرت و تلاش های اقتدارگرایان	
کم بودن موافقان تعطیلی ۵ شنبه		در صورتی که تقریباً می توان گفت این گونه نیست.
برچسب ایدئولوژیک، متعصب، بی منطق بر مخالفان		ایجاد یک تصویر منفی از مخالفان و نشنیده شدن استدلال های آنها
نابخردانه بودن نظر مخالفان		نا بخردانه بودن تعطیلی شنبه ها
ایجاد یک دوگانه میان دولت و مجلس در تعطیلی شنبه یا ۵ شنبه	تعطیلی شنبه ها پیشنهاد مجلس و بخش خصوصی	ایجاد این تصویر که تعطیلی شنبه و نظر مجلس درست و خوب است.
	پیشنهاد دولت همان تعطیلی ۵ شنبه است.	
	همراهی بخش خصوصی و مجلس در تعطیلی شنبه	
تخفیف و تمسخر استدلال های مخالفان	بی اطلاع هستند.	ایجاد یک تصویر منفی از مخالفان و نشنیده شدن استدلال های آنها
	نمی فهمند.	
	در مباحث اقتصادی به فکر زیارت اهل قبور هستند.	
عدم حرمت شرعی تعطیلی روز شنبه و شباهت به یهود	به دنبال گرفتن استفتاء از مراجع	کاهش مخالفت و مقاومت هویت اسلامی جامعه اسلامی برای پیشبرد طرح
	عدم تضاد تعطیلی روز شنبه با فرهنگ، آیین و دین ما	

چهارم) چگونگی پیشبرد اقدامات و مباحث توسط مخالفان تعطیلی روز شنبه

تقریباً هیچ طرح و توجهی در این زمینه در حوزه رسانه و افکار عمومی وجود ندارد و محدود مخالفت های در فضای رسانه ای بوده که به علت حجم و نوع پوشش خیلی دیده نمی شوند.

بخش دوم: گزارش تحلیلی

مقدمه

توجه به مباحث کیفی از قبیل زمان، دوره‌های زمانی، تعطیلات، مناسبات و ... حتی در لایه‌های نخبگانی بسیار کم‌سوست. احتمالاً این کم‌سوبودگی در لایه‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی کمتر از لایه‌های عمومی و اجتماعی نیست. کم‌توجهی یا بی‌توجهی به اثرات تکوینی ایام، زمان‌ها، تعطیلات و ... را می‌توان یکی از مهمترین علل چنین وضعیتی دانست؛^۱ وضعیتی که در آن تنها اندکی از نوشتار، گفتار و یا رفتارهای گزارش شده، حاوی مباحث مبنایی و نظری است و بیشینه گفتگو در سطوح رویین شکل گرفته است. مباحثی که این روزها پیرامون افزایش تعطیلات ایام هفته به دو روز، و دوگانه تعطیلی پنج‌شنبه - جمعه یا جمعه - شنبه، در گرفته است نشان می‌دهد، نهایت تحلیل‌های اندکی که ارائه شده پیرامون مباحث اقتصادی و پیامدهای مادی پدیده‌های این‌چنینی بوده و فضای عمومی و حتی نخبگی مذکور با التفات به این سطح از تحلیل اقدام به سیاست‌گذاری و یا مدیریت کرده‌اند. به نظر می‌رسد ضرورت ایجاد فضایی برای گفتگوهای نخبگانی در تمامی لایه‌های آن، جهت التفات به امتدادهای چنین پدیده‌هایی، مسلم است. به دیگر سخن ضروری است تا در این زمینه فضای تحلیلی، توسط بزرگان حوزوی و دانشگاهی باز شود و امکان گفتگوهای جدی و رسیدن به تصمیمات بهتر فراهم شود. در این متن تلاش شده است تا در حد وسع، برخی ابعاد تحلیلی ممکن و اثرگذار اولیه، مورد گفتگو قرار گیرد تا به تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران و مدیران یاری رساند:

۱) بُعد اقتصادی و تجاری

علی‌رغم اینکه اصل مشکل دیرپای «کاهش زمان مراودات رسمی و معاملات بین‌المللی» مورد پذیرش این تحلیل است اما باید توجه داشت که:

یک) ساده‌نمایی مسأله یا بزرگ‌نمایی راه حل تعطیلی شنبه، راه درستی نیست.

در مورد مشکلات تجاری که در مورد آن سخن گفته می‌شود و به عدم هم‌پوشانی تعطیلات با کشورهای دیگر و به تبع کاهش زمان مراودات رسمی و معاملات بین‌المللی نسبت داده می‌شود، باید دقت صورت گیرد. میزان مراودات اقتصادی ما با یکصد کشوری که در این تعطیلات قرار می‌گیرند در نسبت با مراودات تجاری ما با بقیه بیش از ۸۰ کشوری که چنین مشکلی با آن‌ها نداریم تنها بخش کوچکی از عدم توجه دقیق به مسأله است.

وانگهی برخی از مشکلات مذکور در عالم تجارت ارتباط وثیقی با تعطیلات ندارند و علت‌های دیگری در وقوع این مشکلات وجود دارد که با فرض عدم تعطیلی این ایام نیز رفع نخواهند شد. در واقع علل متعدد و اصلی مشکلات مذکور به عدم هم‌پوشانی تعطیلات فروکاسته شده و پیچیدگی‌های دیگر موضوع، و علل آن مورد غفلت واقع می‌شود. ایده «کاهش و یا رفع مشکلات با کاهش یک‌روزه تعطیلات» بزرگ‌نمایی از اثرگذاری

^۱ البته دلایل دیگری نیز می‌توان برای این وضعیت برشمرد که به دلیل مناقشه برانگیز بودن آنها، از آوردنشان در این متن اجتناب شده است.

چنین اتفاقی در حل مشکل یا معضل مذکور است. موضوعات تجاری در عالم اقتصاد، موضوعاتی چند بعدی و پیچیده هستند که یک وضعیت خاص را رقم می‌زنند. ما بارها با این ادبیات، موضوعات مختلف را با وعده‌های عجیب و غریب مصوب کرده‌ایم، اما نتیجه با وعده‌ها بسیار متفاوت بوده است. تقریباً دلیلی اصلی ساده‌سازی موضوعات، برای مصوب کردن راه حل‌های دم‌دستی آنها است. واقعیت بیرونی یک وضعیت بسیار پیچیده و مبتنی بر متغیرهای متعدد و نوع روابط خاصی است که میان آنها حاکم است و از آن‌چه در تصورات سیاست‌گذاران و مدیران می‌گذرد فاصله زیادی دارد. در مورد موضوع تعطیلات به نظر می‌رسد باید به صورت چندجانبه و با در نظر گرفتن ابعاد مسأله، ابتدا میزان اثرگذاری راه حل ارائه شده یعنی جایگزینی تعطیلی شنبه به جای ۵ شنبه گفتگو نمود.

(دو) مسکوت گذاشتن امکان راه‌حل‌های دیگر

فزون بر ساده‌سازی مسأله و بزرگ‌نمایی از راه حل ارائه شده، گویا سیاست‌گذاران و قانون‌نویسان به هیچ راه‌حل دیگری برای رفع این مشکلات نیاندیشیده‌اند. آیا راه‌حل‌های دیگری برای حل این مشکل وجود ندارند و امکان مدیریت این مشکل از راه‌های دیگر ممکن نیست. به عبارتی دیگر سابقه و تجربه بیش از ۷۰ تا ۸۰ سال مراودات بین‌المللی، این امکان را برای ما فراهم نکرده است که بتوانیم این مشکل (کمبود روزهای کاری در مراودات بین‌المللی) خود را به گونه‌ای دیگر حل کنیم. ما باید متوجه باشیم در حال حاضر تدبیر امور در سطوح مختلف از وضعیت‌های فردی تا وضعیت جهانی به سمت فضای مجازی رفته و بسیاری از مشکلات ناشی از فاصله‌های زمانی و مکانی را برطرف کرده است. حتی پیش‌بینی این است که مبتنی بر هوش مصنوعی، بسیاری از مشکلات ناشی از نیاز به حضور مستقیم نیروی انسانی نیز در ارتباطات و مبادلات کاهش پیدا خواهد کرد. ورود رمزارزها به مبادلات رسمی جهانی نیز جدی بودن مشکل پیش‌گفته را با سوال جدی‌تری مواجه می‌کند. گو اینکه مبادلات مجازی بینابانکی معاملات دیجیتال و رمزارزها خود مانع بروز مشکل مبادلات بوده و یا پاسخی به بزرگی چنین مشکلی هستند.

(۲) بُعد اجتماعی

از سوی دیگر در نظام حکمرانی، نگرش نسبت به پدیده‌هایی که ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند، باید متناسب با پیچیدگی آن‌ها باشد. گاهی علی‌رغم مشکلات در یکی از ابعاد، فواید و پیامدهای مثبت فراوان در یکی دیگر از ابعاد وجود دارد که بدون تسلط بر این سود و زیان‌ها در ابعاد مختلف، تصمیم‌گیری از حکمت کافی برخوردار نخواهد بود.

موازنه سطح ابتلاء (سود و زیان تجاری – اجتماعی)

در صورتی که ما مشکل تجاری را واقعا وابسته به تعطیل بودن روز ۵ شنبه بدانیم و راه‌حل دیگری نیز برای این مشکل نداشته باشیم، آیا برای تصمیم‌گیری کفایت می‌کند؟ مضرات اجتماعی و سیاسی عدم تعطیلی روز ۵ شنبه که بسیاری از مناسک ملی و مذهبی و مناسبات اجتماعی ایرانیان در آن مستقر شده است و نیز به صورت سنتی و تاریخی این روز نیمه‌تعطیل بوده است و تعطیلی روز شنبه که به صورت تاریخی یوم‌الشروع فعالیت‌های ایرانیان بوده است اولویت پیدا نمی‌کند؟

به نظر می‌رسد به صورت تاریخی سیاست‌گذاران و قانون‌نویسان ما، نهاد اجتماع و حتی گاهی نهاد سیاست

را فدای نهاد اقتصاد می‌کنند. در صورتی که یکی از مناسبات اجتماعی، یا مناسک اجتماعی دچار تزلزل شود، ضربات جبران ناپذیر بر پیکره جامعه را با چه هزینه‌های اقتصادی می‌توان رفع کرده و یا کاهش داد؟

موازنه گستردگی ابتلاء (عمومیت - بخشی)

مسئله دیگری که در اینجا محل بحث می‌تواند باشد، عام‌البلوا بودن مشکل تجارت برای عموم مردم یا مناسبات اجتماعی آن‌هاست. در صورتی که حاکمیت توانایی سامان‌دهی به مراودات تجاری خود داشته باشد که تاکنون نشان داده است چنین توانایی را در ضمن تعطیل بودن هشنبه‌های پایتخت داشته است، چه سهمی از طبقات اجتماعی درگیر چنین مسأله‌ای هستند و از میان تجار درگیر این مسأله به صورت واقعی چه درصدی از ایشان ایام کاری موجود یا فضاها را جبرانی دیگر، مشکل آن‌ها را حل نمی‌کند تا ناچار شویم مناسبات اجتماعی عام‌البلوای تمامی ایرانیان را دچار دگرگونی و تحیر کنیم.

موازنه عمق ابتلاء

توجه به تضعیف قدرت و توان فرهنگی و اجتماعی جامعه برای کشوری مانند ما یک مسئله بسیار حیاتی است، چرا که اساساً بدون این توان فرهنگی و اجتماعی جامعه، امکان حرکت‌های ایجابی که در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد، از دست خواهد رفت. به نظر می‌رسد این تجربه در رابطه با قانون کاهش ساعات کاری و افزایش تعطیلات و به شکل خاص تعطیلی روز شنبه در حال تکرار شدن است.

۲) بُعد نظری و فلسفی

غفلت از مباحث نظری

تقریباً می‌توان مدعی شد، در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی که در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها رایج است، زمان یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ابعاد حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد. نوع و تفاوتی که در فهم زمان در و برای یک جامعه وجود دارد، به عنوان یک عامل محیط بر شناخت‌ها و اراده‌ها، دامنه گسترده و عمیقی از امور و تنظیمات را معنادار، منظم و قابل اجرا می‌کند. این زمان است که امکان فهم انسانی از رابطه فرد، جامعه و تاریخ را با خود، دیگر انسان‌ها، محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی، جوامع مختلف، جهان بشری و تاریخ بشری را ممکن و یکی از مهم‌ترین محورهای نظامات و سیر تحولات آن‌هاست. زمان نه تنها نشان‌دهنده هستی گذشته ما است، بلکه نشان‌دهنده هستی جامعه و تاریخ ما و از همه مهم‌تر، نسبت با کل بشریت است و کلیه امور انسانی تقریباً در نسبت‌گیری با یکی از این موقعیت‌ها معنای خود را پیدا می‌کنند. در واقع زمان یک بعد ذاتی هستی زندگی انسانی است و جدا کردن زمان از فهم انسان و عمل انسانی در افراد، جوامع و تاریخ غیرممکن است.

با این مقدمه کوتاه، اگر قرار است در رابطه با یک «اقدام زمانی» در یک جامعه تصمیمی گرفته شود، باید التفات جدی به اهمیت و عمق رابطه‌ای که میان امورات مختلف یک جامعه و در مواردی سرنوشت فرهنگی و اجتماعی آن جامعه، در نسبت‌گیری با فهم و معنای زمان پیدا می‌شود، داشت. لازم است در ابتدا آن را موضوعی مهم و اساسی دانست و آن‌گاه به شکل انضمامی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرها در تنظیم و تغییر امورات مختلف یک جامعه مورد لحاظ قرار داد. پایین آوردن سطح مسئله زمان در تصمیمات مهمی که

قرار است در رابطه با آن گرفته شود، عملاً عمق فاجعه را بالا خواهد برد.

دوره‌های زمانی و نظم‌بخشی

زمان، امکان و ضرورت‌های رفتاری، اخلاقی و عقلانی در سیر و مسیر حرکت و رشد افراد و جوامع را ممکن و معنادار می‌کند. این زمان است که در بازه‌های مختلف، امر مشترک اجتماعی و تاریخی را نشان می‌دهد و امکان اندیشیدن، تدبیرکردن و عمل‌کردن برای حفظ، ساختن، قاعده‌مندکردن و تنظیم‌کردن را میسر می‌کند. زمان‌هایی که اکنون آن‌ها را به‌منزلهٔ زمان تقویمی می‌شناسیم، در گذشته مراحل از مراسم، اعیاد و آیین‌های همگانی، تحول افراد و جوامع و شناخت آن‌ها بوده‌اند. همان‌گونه که هم‌اکنون نیز زمان‌های تقویمی ما، زمان‌هایی برای شناخت موقعیت و تحول در مسیر خاص هستند. درواقع زمان‌های تقویمی ضمن قاعده‌مندی فعالیت‌های جمعی، بیانگر آهنگ تکرار آن‌ها نیز هستند. تکرار زمانی، درواقع تضمین حفظ قاعده یا قواعدی است که زمان خاص برای آن تنظیم شده است.

همان‌طور که گفته شد، بسیاری از تغییرات یا اساساً اصل و ماهیت زمانی دارند، و یا زمان یکی از مهم‌ترین متغیرها در شکل‌دهی به آن تغییرات است. فهم انسان از زمان در زندگی، مبتنی بر ایجاد و تکرار دوره‌های زمانی است. این دوره‌های زمانی در شکل‌های متفاوت خود، معناهای مختلفی به زندگی می‌دهند یا امکان فهم و زیست معناهای مختلفی را در اختیار جوامع و افراد قرار می‌دهند. برخی از این دوره‌های زمانی و منطق و چارچوب معنادهی به آنها شامل موارد ذیل هستند.

یک دوره‌های زمانی ناشی از تغییرات در طبیعت

چرخه‌های تکراری شب و روز، هفته (قمری)، ماه (شمسی و قمری)، فصل (شمسی) و سال (شمسی و قمری) مهم‌ترین چرخه‌های تکراری در فهم زمانی جامعه ما هستند که از گردش زمین به دور خورشید یا ماه به دور زمین بوجود می‌آیند. به غیر از شبانه روز که کوتاه‌ترین چرخه زمانی طبیعی برای ایجاد حلقه‌های تکرار در زندگی انسانی و اجتماعی بوده است؛ ظاهراً از گذشته‌های دور تا سده اخیر، جامعه ایرانی چرخه‌های تکراری برای تنظیم فعالیت‌های خود در امور مختلف اجتماعی را عموماً از حرکت ماه و هفته را که از گام‌های چهارگانه حرکت ماه است، می‌گرفته است. تقریباً از یک سده قبل، تقویم هجری شمسی به عنوان یک تقویم رسمی از طریق حکومت به فهم دوره‌های زمانی جامعه ایرانی افزوده می‌شود و جامعه ایرانی از این تاریخ دارای دو تقویم قمری و شمسی در تنظیم امورات مختلف خود می‌شود.

عموم کشورها دارای یک تقویم رسمی و برخی دارای یک تقویم رسمی و یک تقویم دینی و فرهنگی هستند و ایران یکی از کشورهای دارای دو تقویم رسمی (شمسی) و مذهبی (قمری) است. در حال حاضر تقریباً تمام کشورهای دنیا یک تقویم رسمی میلادی برای کار ادارات دولتی و امور اقتصادی دارند. ایران یکی از چهار کشوری است که تقویم رسمی‌اش غیر از تقویم میلادی است. در برخی کشورها در کنار این تقویم میلادی (رسمی دولتی) و یک تقویم نیمه‌رسمی و مذهبی نیز وجود دارد که بر اساس ان امورات دینی و فرهنگی‌شان تنظیم می‌شود. با توجه به این نگرش نسبت به زمان نکات زیر قابل تأمل خواهد بود:

☑ **نکته اول:** انتخاب تقویم برای یک کشور، یک مسئله بسیار مهم است، چراکه بر اساس این تقویم‌ها بسیاری از امور تنظیم می‌شوند. شاید در نگاه اول این وضعیت تقویمی، مسئله‌ای ساده یا معمولی به نظر

آید. اما وقتی تنظیمات امور یک کشور از یک تقویم به تقویمی دیگر تغییر می‌کند، در عمل و به مرور زمان حجم و گستره بسیار زیادی از امور از یک نظم به نظم دیگری منتقل می‌شوند و با این انتقال به شکل متفاوتی درک می‌شوند. به عبارتی معناهای زمانی و دوره‌های زمانی یک جامعه با تغییر تقویم به مرور زمان تغییر می‌کند. تقویم‌ها، عموماً (۱) یک مبنای نجومی؛ (۲) یک تاریخ شروع و از همه مهم‌تر؛ (۳) یک منطق و چارچوب توجیه و تفسیر کننده فرهنگی دارند که مبتنی بر آن، تنظیم‌های مختلف زمانی معناهای متفاوتی را از گردش ایام در امور مختلف شکل می‌دهند و امکان گسترش آنها را میسر می‌کند. لذا با تغییر منطق فهم دوره‌های زمانی در تقویم‌ها عملاً و به مرور زمان منطق و چارچوب معنادهی فرهنگی یک جامعه نسبت به زمان تغییر می‌کند و سپس نسبت با طیف گسترده از امور این نسبت تغییر پیدا می‌کند.

✓ **نکته دوم:** در ایران و در اغلب کشورها تا قبل از چند سده اخیر، دولت‌ها و جوامع عموماً از تقویم‌های قمری برای فهم زمان و دوره‌های زمانی استفاده می‌کردند. با شکل‌گیری نظم و دولت‌های مدرن، ایجاد بازه‌های زمانی ثابت و فهم گردش زمانی بر اساس آنها، یکی از ویژگی‌های فهم و تدبیر زمان شد. چرا که برای نظم مدرن، خارج کردن فهم کیفی از مفهوم زمان و تبدیل زمان به یک امر کمی محاسبه‌پذیر قابل مبادله، برای شکل‌دهی به نوع خاصی از زندگی مادی و برنامه‌ریزی متناسب با آن حیاتی است. در واقع در نظم مدرن، کمی و کالایی شدن زمان مانند بسیاری از معانی و امور دیگر، لازمه شکل‌گیری و توسعه مادی یک جامعه است. نظم مدرن در طرح جهانی‌سازی خود که به دنبال ایجاد یک واحد جهانی با منطق زندگی مدرن است، سعی کرده در این حوزه نیز نظم‌ها و معانی زمانی متفاوتی که در نظم‌بخشی به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف وجود داشته است را به نظام معنایی خود نزدیک و سپس در خود حل نماید تا بتواند بیشترین بهره را با کمترین چالش در مبادلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی بدست بیاورد. متأسفانه در این زمینه نظام جهانی سرمایه توانسته است تقریباً تمام تقویم‌های رسمی کشورهای جهان به جز چند کشور انگشت‌شمار را با خود همراه سازد.

✓ **نکته سوم:** در دوران معاصر به میزانی که جامعه به نهادها و سازمان‌های رسمی در پیشبرد امور خود وابسته است، به همین میزان به منطق نظم زمانی آن‌ها در معنابخشی به زندگی، وابسته است. متأسفانه در نظم‌های مدرن تقریباً حیات زندگی اجتماعی به سازمان‌ها و نهادهای مختلف از تولد تا مرگ وابسته هستند و عملاً فهم زمانی این سازمان‌ها و نهادها، با تمامی ابعاد زندگی انسانی در حوزه‌های مختلف مرتبط شده و معنای خود را بر آنها غلبه می‌دهند. با توجه به ارتباط و وابستگی زیاد میان این سازمان‌ها و نهادها در امور مختلف، عموماً هماهنگی‌های مختلفی میان آنها در ابعاد مختلف وجود دارد و یا به مرور زمان شکل می‌گیرند؛ یک بخش مهم از هماهنگی‌ها، هماهنگی زمانی میان آنهاست. این هماهنگی زمانی عملاً باعث غلبه فهم زمانی این سازمان‌ها به سایر عرصه‌های غیررسمی شده و با توجه به پشتوانه حقوقی و قانونی که سازمان‌ها و نهادهای رسمی دارند، عملاً امکان فهم‌های غیر رسمی از زمان و معناهایی که آن‌ها در خود جای داده‌اند را از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی غیررسمی می‌گیرند و آنها را به شدت تضعیف می‌کنند. به عبارتی در زمانه ما، منطق و ملاک‌های زمانی که سازمان‌ها و نهادهای رسمی با آن کار می‌کنند، عملاً و به مرور زمان به منطق عمل فرهنگی و اجتماعی قاطبه جامعه تبدیل

می‌شود و بر این اساس طیف گسترده از معناهای فرهنگی و اجتماعی از جامعه حذف می‌شود و طیف گسترده از معناهای فرهنگی و اجتماعی را وارد جامعه می‌کنند. نتیجه این وقایع تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی به شکل مبنایی است که خود را در نحوه زیست جامعه نمایان می‌سازد.

☑ **نکته چهارم:** اینکه تصور شود، می‌توان به راحتی تلفیقی از چند تقویم را در یک فرهنگ رسمیت بخشید که این تقویم‌ها در هماهنگی با همدیگر می‌توانند یک نظام معنایی را شکل دهند، تقریباً غیرممکن است. در اولین چالش میان منطق این تقویم‌هاست که امتدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ می‌نماید. تصمیم‌گیری جهت اتخاذ موضع نسبت به این چالش‌ها و دگربودگی‌ها تفوق یک تقویم بر تقویم دیگر را نشان می‌دهد. سنجش سود و زیان انتخاب در اینجا نظام اولویت ما را تحت تأثیر قرار داده و گزینش یکی از این دو را بر ما تحمیل می‌کند. منطقی که اینک فراروی ما نهاد شده و در گزینش روز تعطیلی خود را بر ما تحمیل کرده است در دیگر دوگانه‌ها و چندگانه‌های سیاستی و عملیاتی نیز، حاکم شده و تفوق تقویم وارداتی را نتیجه خواهد داد. منطق تفوق و سیطره تقویمی بر تقویم دیگر می‌تواند در چالش‌ها و تعارض‌ها تا بدان جا پیش رود که تقویمی را از صحنه حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردمان و حاکمان حذف نماید. اتفاقی که نمونه‌های بارز آن بدون هیچ تأملی فراروی ما قرار دارد.

جامعه ایرانی در حال حاضر دارای دو تقویم رسمی شمسی و قمری در کنار یکدیگر است و هم‌اکنون هم به علت سیطره نظم‌های سازمانی و مدرن بر زندگی و حیات اجتماعی جامعه مبتنی بر تقویم شمسی، چالش‌ها و مشکلات زیادی را در رابطه با برنامه‌ریزی‌های ناشی از تقویم قمری و تقویم‌های مذهبی روزانه بوجود آورده است و عملاً قدرت نظام معنایی دینی و رسوخ عمیق آن در فرهنگ دینی جامعه بوده که تاکنون توانسته به شکل‌های مختلف حوزه‌های معنایی ناشی از تنظیم‌های زمانی قمری را حفظ کند. علی‌رغم این تفوق تاریخی و باطنی همچنان شاهد تعارض‌هایی از جنس چندپارهای اجتماعی را شاهد هستیم.

حال اگر قرار باشد در کنار این دو تقویم، بخشی از تقویم میلادی نیز وارد زیست اقتصادی سیاسی اجتماعی ما شود، تعارض‌ها در یک مضربی، چندین برابر خواهد شد به مرور زمان، فشارهای انضمامی ناشی از ورود به نظم معنای زمانی مدرن در هر دو تقویم زمانی شمسی و قمری بیشتر خواهد شد و می‌توان پیش‌بینی کرد که هر دو تقویم شمسی و قمری در این مناسبات پای پس کشیده و بیشتر نیز تقویم قمری عقب رانده خواهد شد. به روشنی پیداست که نظم بخشی به حیات فرهنگی هر جامعه‌ای اگر به تقویمی سپرده شود مناسبات حاکم بر آن جامع در لایه گوناگون‌اش را تحت تأثیر قرار خواهد داد. لایه بینش، منش، کشش، هنجار، کنش، فن‌آوری اجتماعی و حتی فن‌آوری مادی و نمادهایش را دگرگون ساخته و یا دچار تحول نسبی خواهد نمود.

☑ **نکته پنجم:** با تغییر در لایه‌های فرهنگ و زیست اجتماعی سیاسی و اقتصادی شاهد هزینه‌هایی از قبیل: اضافه شدن بی‌نظمی‌های جدید، سردرگمی‌های بیشتر، فزونی فشارهای روانی و اجتماعی، افزایش خستگی‌های فرهنگی و اجتماعی، رخ نمودن چالش‌ها و درگیری‌های معنایی، فرهنگی و اجتماعی جدید، و ... خواهیم بود. با توجه به تغییرات در سطوح مختلف می‌توان به دیرپا و پایدار بودن تغییرات حاصل از

چنین اتفاقی حکم کرد.

حال سوال این است که آیا اضافه شدن یک روز به مبادلات تجاری ارزش این حجم از مشکلات برای آحاد یک کشور را دارد. عملاً این دست از تغییرات عموماً برای برخی از اقشار خوب خواهد بود و یا شاید در کوتاه مدت دستاوردهای اقتصادی برای جامعه داشته باشد، اما به مرور زمان و نفوذ منطق فهم زمانی مدرن در نظم معنایی ایرانی - اسلامی، و فشار بین‌المللی که به فشارهای موجود اضافه خواهد شد، به هم‌ریختگی معنایی در زندگی آحاد جامعه ایرانی اسلامی را شاهد خواهیم بود که وضعیت‌های آنومیک بیشتر و وسیع‌تری را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.

اگر در عمل این امکان وجود می‌داشت که فرهنگ تاریخی جامعه ایرانی، از منطق و نظم معنایی تاریخی خود خارج شود و نظم معنایی مدرن را بپذیرد، می‌توان گفت ورود به نظم معنای مدرن و پذیرش تقویمی جهان مدرن به نفع عموم جامعه حداقل در بخش زندگی دنیایی خواهد بود، اما به علت عمق و تاریخی که این فرهنگ دارد، عملاً چنین تصویری یا نتیجه‌ای در حد غیرممکن است و نتیجه عملی حاصل به نفع جامعه ایرانی و اسلامی نخواهد بود. جامعه ایرانی ضمن استفاده از دست‌آوردهای تمدن مدرن، به دنبال ساختن دنیا و نظام معنایی خود مطابق سوابق فرهنگی و تاریخی خود است.

☑ **نکته ششم:** علاوه بر اینکه نسبت به تعطیلی روز شنبه در مقابل روز ۵ شنبه موارد فوق قابل ذکر بود در مورد اصل افزودن تعطیلی نیز می‌توان با یک نگرش اجتماعی نسبت به آن موضع گرفت. با پذیرش تقویم جهانی مدرن، با توجه به فرهنگ کار و بازدهی اندک کاری جامعه ایرانی، که بخش زیادی از علل آن تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است و به راحتی و سرعت تغییرات زیادی نخواهد کرد، اضافه کردن ۵۲ روز به تعطیلات، احتمالاً برای اقتصاد و این مرحله از رشد اقتصادی کشور مفید نخواهد بود و وضعیت کار در ایران را نامناسب‌تر و هزینه‌های زیادی را بر دولت و اقشار مختلفی از جامعه تحمیل خواهد کرد.

(دو) دوره‌های زمانی ناشی از تغییرات معنوی

نوع فهم و زیست زمان، علاوه بر این که بصورت مستقیم در تنظیم امور مادی و دنیایی انسان‌ها و جوامع حضور و ظهور دارد، بر ساختن انسان و جامعه هم تأثیر بنیادینی دارد. به عبارتی زمان‌ها در عین این که حیات دنیوی را برای جوامع فراهم می‌نمایند، به‌طور هم‌زمان در حال ساختن انسان‌های خاص با شاخص‌های انسانی مختلف هستند.

به عبارتی فهم و زیست زمان را می‌توان با فهم برنامه‌ریزی و سلوک انسان‌ها برای تنظیم امور مختلف و رسیدن به اهداف خاص مشابه و احتمالاً برابر دانست. رابطه نزدیکی میان قواعد تنظیم زمانی با محتوایی که در این تنظیمات پیگیری می‌شوند و اهدافی که باید به آنها نزدیک شد، وجود دارد؛ که پیش‌فرض تمام این موارد فهم خاصی از انسان، ارزیابی از وضعیت موجود زندگی و زندگی انسانی مطلوب و چگونگی حرکت در مسیر خاص برای رسیدن از وضعیت موجود به مطلوب است. به واقع فهم زمان و چگونگی تنظیم آن، تقوای یک فرد یا جامعه و تمدن را نشان می‌دهد و مبتنی بر متن صریح دینی، مهم‌ترین و تنهاترین ملاک مشخص کردن و ارزیابی کردن افراد و جوامع است. به عبارتی صریح‌تر، تغییر در فهم و زیست زمان یک جامعه، تغییر در تقوای آن جامعه است که تغییر در تقوای یک جامعه سعادت و شقاوت آن جامعه را مشخص خواهد کرد.

در فهم و زبان دینی، زمان‌ها فرصت‌هایی برای امتحان و تربیت نفس هستند که انسان در آن‌ها و به‌وسیله آن‌ها، می‌تواند سلوک یا حرکت سازنده خود را جلو ببرد؛ به عبارت دیگر، این دوره‌های زمانی، با منطق معنایی و نظم‌بخشی خود، به زندگی و مسیر زندگی در جهت خاصی کمک می‌کنند و با تغییر در منطق فهم آن‌ها، با گذشت زمان بخش زیادی از سلوک معنوی و فرهنگی را با خود می‌برند و با رفتن و حذف این سلوک‌ها، بخش‌های زیادی از معناهای دینی و فرهنگی نیز از تجربه فردی و اجتماعی جامعه حذف می‌شوند و سلوک‌ها و معناهایی که تطابق بیشتری با نظم زمانی جدید دارند، جایگزین می‌شوند و تقوایی متفاوت را برای افراد و جامعه بوجود می‌آورند.

☑ **نکته اول:** هویت شیعه ایرانی عدل‌محور، حکومت‌پناه، حکمت‌گرا و متدین است. علاوه بر گرایش ایرانیان به دین، معنویت و تقویم‌های مناسبی مرتبط در این موارد، گرایش ایرانیان به اهل بیت علیهم‌السلام، وابسته به ویژگی‌هایی است که از ایشان سراغ داشته‌اند. جمع حکمت و معنویت فردی، اجتماعی و حکومتی در شخصیت امیر بیان علیه‌السلام، حماسه عرفانی امام حسین علیه‌السلام، معرفت، مناجات و شخصیت انسانی و اجتماعی امام سجاد علیه‌السلام، دانش گسترده صادقین علیهما‌السلام، قامت تمدنی امام هشتم علیه‌السلام و مظلومیت قهرمانانه امامان اهل بیت علیهم‌السلام و در نهایت فکر ناب و قریب به واقعیت مهدویت، بخش مهمی از ویژگی‌های جذاب برای شیعیان ایرانی است که در طول تاریخ، سرشت معنوی و تاریخی - با ویژگی‌هایی که از این الگوها گرفته‌اند- خاصی را برای آنها رقم زده است، به شکلی که ایرانیان خود را با دیانت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌شناسند و می‌خواهند.

باید توجه داشت، شکل‌گیری این هویت که قوام‌بخش حیات ایرانی اسلامی جامعه ایرانی است، به راحتی بدست نیامده و ماحصل صدها سال تلاش و تجربه و هزینه دادن بوده است. در واقع سنت‌های فرهنگی که قوام‌بخش هویتی یک جامعه باشند، سرمایه بسیار بزرگی هستند که گذشتگان زندگی خود را خرج آن کرده‌اند؛ و ما در تداوم این سنت، باید با حفظ اصول و قواعد اساسی آن به بالندگی آن ادامه دهیم. منطقی نیست، اینک با تغییراتی که این قوام و قواعد را از بین برده، و جامعه را دچار انواع بهم ریختگی‌ها و ناهنجاری‌های بنیاد برافکن می‌کند، همراهی کنیم.

وانگهی بخش عمده و مهمی از این سنت تاریخی و ظرفیت‌هایی که در آن فعال شده است، ناشی از فهم زمان و دوره‌های زمانی معنوی و زیست خاصی است که جامعه ایرانی در طول زمان پیدا کرده و با آن تقوا و سلوک خود را شکل داده است. به عبارتی اساس شکل‌گیری یک سنت فرهنگی قویم در جامعه ایرانی با حضور و سلوک جامعه ایرانی در رویدادهای معنوی و دینی، بوده است. منطق فهم و زیست دینی در زمان و دینی فهم کردن زمان و زندگی، به شدت وابسته به منطق و چارچوب زمانی‌ای است که در جامعه در قالب رویدادهای معنوی و دینی و دوره‌های زمانی تحول درونی مستقر شده است. جامعه ایرانی این تقویم را مبتنی بر تصویب یک قانون و یا یک تصمیم مقطعی به دست نیاورده است و برای رسیدن به این تقویم معنوی، صدها سال تلاش کرده و هزینه‌های زیادی داده است. لذا ساده‌سازی تقویم فرهنگی یک ملت به مجموعه از اعداد، ارقام و نام‌ها در یک سال‌نامه، که می‌توان به راحتی و سریع آنها را تغییر داد و یا جایگزین نمود، بدترین نوع فهم نسبت به تقویم فرهنگی است. تقویم را اساساً از این نظر تقویم گفته‌اند که اندازه، تناسب، تعدیل و ترکیب‌های یک جامعه و ارزیابی آن‌ها را نشان می‌دهد و باعث قوام جامعه می‌شود. انسان‌ها در دو جا اقامت پیدا می‌کنند، یک‌جا، همان مکان و محلی است که

یک قوم و ملت در آن ساکن می‌شوند و دیگری زمانی است که یک ملت یا قوم در آن ساکن می‌شوند. این دو در واقع مهم‌ترین محل‌های اقامت یک جامعه هستند که با زیست و سرنوشت آنها گره خورده است. تغییر دادن تقویم در واقع تغییر دادن منطق فهم و زیست زمانی و خارج کردن جامعه از یکسری از دوره‌های زمانی به دوره‌های زمانی جدید است و با تغییر این دوره‌های زمانی، تنظیمات معنوی و انسان‌سازی جامعه نیز تغییر خواهد کرد.

✓ **نکته دوم:** عموم دوره‌های زمانی با یک استراحت، تعطیلی یا تشویقی تمام و بعد از آن دوره جدید تکرار می‌شود. تقریباً این تعطیلات یا تشویق‌های خاص هستند که نشان می‌دهند دوره تمام شده و چرخه جدید دوره بعد از این تعطیلی یا تشویقی آغاز خواهد شد. حتی این تعطیلات و تشویق‌ها هستند که منطق دوره زمانی را نشان می‌دهند و شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی را در اختیار جامعه قرار می‌دهند. شاخص‌هایی که نشان‌دهنده میزان موفقیت فرد یا افراد در آن دوره زمانی است. بنابراین تعطیلات حاکی از نظام ارزشی خاص، و نیز محکی از یک نظام ارزشی خاصی است که نباید با آن ساده‌انگارانه برخورد کرد. با توجه به نظام ارزشی حاکم بر یک تعطیلات و جایگاه خاص آن در اثرگذاری بر قوام فرهنگی، بایدنسبت به آن حساسیت داشته و نسبت به جابجایی آن دقت نمود.

هرگونه جابجایی که منجر به خروج جامعه از تنظیمات نرمال شود، سبب به هم ریختن منطق زمانی زیست اجتماعی و سلوک معنوی فرد یا افراد خواهد شد. تبعات این به هم‌ریختگی و خروج از تنظیمات گاهی در حد فروپاشی یک نهاد یا فن‌آوری اجتماعی است. توجه به این سیستم تغییرات است که اهمیت و تبعات جابجایی تعطیلات را نشان می‌دهد. این تغییر در واقع تغییر تنظیمات زندگی کل جامعه در منطق و چارچوب فهم زمان و زیست زمان است و کل فرهنگ و جامعه را در گستره زیاد و البته به مرور زمان تغییر خواهد داد. تغییری که موازنه سود - زیان افزایش یک روز به مبادلات اقتصادی یا فروپاشی منطق زیست اجتماعی در یک بخش را دگرگون خواهد کرد.

✓ **نکته سوم:** بهترین تغییرات در مواقع لزوم تغییراتی هستند که به بالندگی سرمایه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی کمک کنند. این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که تغییرات در هماهنگی با منطق تنظیمات قبلی باشد. به عبارتی دوره‌های زمانی وقتی در هماهنگی با دوره‌های دیگر فهم و درک شوند، همدیگر را تقویت و باعث تقویت بنیه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، ... کشور می‌شوند و به جامعه در پیش‌برد و سرعت پیش‌برد اهداف منتخب کمک می‌کنند. اما اگر این دوره‌ها در منطق تنظیمات خود با یکدیگر در تضاد یا تخالف باشند به مرور زمان باعث استهلاک بنیه‌های مختلف جامعه و تضعیف کشور می‌شوند. در واقع هرگونه تغییر بنیادی در بخشی از فهم منطق زمانی در یک جامعه، کل فهم زمانی جامعه را دچار تغییر و ناهماهنگی کرده و عوارض بسیار زیادی را با خود به همراه می‌آورد. ما در گذشته با آوردن تقویم شمسی و قمری به عنوان دو تقویم همزمان در تقویم رسمی کشور، و تنظیم دوره‌های زمانی زیست عمومی جامعه بر اساس منطق آنها سعی کردیم، یک تقویم ملی - مذهبی مبتنی بر هویت جامعه ایرانی شکل بدهیم و در کنار آن به اقتضائات دولت مدرن در دوران جدید در مراودات رسمی پاسخ بدهیم. این که آیا این کار به چه میزان موفق و یا ناموفق بوده است؛ یا در چه مواردی یاری‌گر و در چه مواردی مخرب بوده محل بحث این متن نیست، بلکه محل بحث این است که این نوع تقویم‌گذاری،

مبتنی بر منطق فهم درونی جامعه ایرانی و سوابق خود بوده و اجازه شکل‌گیری منطق فهم زمانی، از منطقی خارج از تاریخ و سنت قوام گرفته در جامعه ایرانی، را نداده است. اما اضافه شدن تعطیلات شنبه، در واقع می‌تواند سرآغازی برای تغییر این رویه و ورود منطقی خارج از تجربه زیسته جامعه ایرانی (تقویم میلادی) باشد و عملاً امکان تضعیف استقلال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ... را در لایه‌های عمیق و پنهان جامعه فراهم کند.

تاکنون منطق فهم و درک عمومی جامعه ما از تعطیلات، در اغلب موارد فهم و منطقی قدسی (دینی) بوده است. این قدسیت را حتی می‌توان در بسیاری از تعطیلات ملی نیز مشاهده کرد. گزینش تعطیلی شنبه بجای ۵ شنبه‌ها که با منطقی صرفاً اقتصادی در مقابل منطق اجتماعی - دینی صورت می‌گیرد، حتی بر نظام مفهومی تعطیلات جمعه نیز اثرگذار خواهد بود. با این گزینش، منطق جدیدی وارد فهم تعطیلی و معانی آن در جامعه می‌شود که اساساً اقتصادی بوده و مبتنی بر روزهای کاری در منطق نظام سرمایه‌داری جهانی است. به عبارتی تعطیلات هفتگی روز جمعه که در قبل دوره‌های زمانی هفتگی در حوزه‌های کاری، مذهبی و ملی را به عنوان یک روز تنظیم می‌کرد، با اضافه شدن شنبه و منطق اقتصادی و نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی به آن، عملاً حوزه‌های ملی و مذهبی این تعطیلات را از جامعه خواهد گرفت و دوره زمانی هفتگی را از منطق قبلی خارج و وارد منطق اقتصادی خواهد کرد. به مرور زمان، تعطیلات آخر هفته فقط کاری و در نسبت با تعطیلات تقویم میلادی فهم خواهد شد. شاید این در حال حاضر دور به نظر برسد، اما در ادامه نشان خواهیم داد که با توجه به تجربه قبلی و با گذشت زمان این تغییر کاملاً جدی و ممکن است.

☑ **نکته چهارم:** آنچه تا کنون جامعه را به حرکت واداشته و پیش برده و وقایع مهم و اساسی تاریخ ما را رقم زده، سنت تاریخی و فرهنگی جامعه بوده است. فهم تاریخی از ماهیت انقلاب اسلامی و جایگاه تلقی و فهم از دوره‌های زمانی و تعطیلات در تدارک مقدمات، فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌ها نمونه خوبی برای این موضوع است. تقریباً می‌توان گفت که اگر یک سنت تاریخی در رابطه با زمان و دوره‌های زمانی مذهبی در جامعه ایران (عاشورا و تاسوعا، روزهای جمعه، چهل‌م‌ها، ...) وجود نمی‌داشت که مبتنی بر آنها جامعه حرکت‌های متوالی خود را معنادار و فعال کند، امکان انقلاب در این گستره و عمق میان مردم از دور افتاده‌ترین روستاها تا کلان‌شهرهای ایران ممکن نبود. علاوه بر آن ارتباط زمان با عالم قدس مبتنی بر این دوره‌های زمانی، قدسیت خاصی را به ایام و روزهای انقلاب و انقلابیون می‌داده است که تقریباً می‌توان گفت یکی از وجه کاملاً متمایز این انقلاب با سایر انقلاب‌ها بوده است. این منطق فهم و زیست زمانی در جامعه ایرانی، به نوعی پشتیبان تداوم این انقلاب تا کنون نیز بوده است. مداخله در منطق درونی نظم‌های زمانی و معانی همراه آنها در یک جامعه تاریخی، باعث تخریب یا تضعیف توان بالای سنت تاریخی در پیشبرد امور خواهد شد و عملاً امکان‌های رشد پایدار و بلند مدت و حل ریشه‌ای مسائل را از جامعه خواهد گرفت.

☑ **نکته آخر:** مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود:

نظم‌های کاری نوع دیگری از نظم‌ها در زندگی انسانی هستند که انسان براساس آن‌ها، به دنبال تأمین مایحتاج ضروری زندگی انسانی خود است. به علت اجتماعی بودن زندگی انسان‌ها و تقسیم‌کاری که

میان آحاد جامعه وجود دارد، افراد برای تأمین مایحتاج زندگی، بالاجبار بخشی از عمر و زمان‌بندی زندگی خود را صرف انجام امور اقتصادی کرده و ضمن بردوش گرفتن بخشی از مسئولیت‌ها، تداوم و کیفیت زندگی خود را تضمین و احتمالاً در این مسیر پیشرفت می‌کنند. عموماً در جهان ماقبل مدرن، این زمان کاری هماهنگی بسیار بالایی با دو نظم طبیعت و نظم بیولوژیک بدن انسانی داشت و افراد مبتنی بر نظم‌های طبیعی و بیولوژیکی، در زمان‌های خاص و به میزان معین، زمان خود را صرف این بخش از زندگی می‌کردند، ولی با تغییر نظم‌های زندگی به سمت زندگی‌های شهری و تغییر کارها به کارهای صنعتی، اداری و خدماتی و منطق سرمایه‌داری حاکم بر آن‌ها، نظم‌های کاری به‌منزله نظم‌های جدید زمانی، وارد زندگی انسان‌ها شدند؛ مثلاً بخش‌هایی از جامعه که زمان کاری خود را براساس گردش خورشید در ایام سال کم‌وزیاد می‌کردند، در نظم مدرن مجبور بودند در کل ایام سال زمان‌های ثابتی را صرف کارهای عموماً ثابتی کنند و گردش‌های زمانی مبتنی بر ساعات مشخص کاری را تعریف کنند؛ گردش‌های که عملاً توجهی به نظم‌های بیولوژیکی و طبیعی برای زیست انسانی ندارند و در جهت منطق اقتصادی و افزایش سود بوجود آمده‌اند. این عدم هماهنگی، نتایج منفی و عوارض گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف زیستی و فرهنگی، بر جامعه و انسان وارد می‌کند که عموماً در فهم بسیاری از مشکلات محاسبه نمی‌شوند.

با تشکیل دولت مدرن در ایران، زمان کار در جامعه ما نیز دچار گسستگی در فهم و زیست مردم شد که تا پیش از شکل‌گیری دولت مدرن، زمان‌های فرهنگی و معنوی، کاری، طبیعی و بیولوژیکی جامعه، در ذیل نظم فرهنگ دینی فهم و زیست می‌شدند، ولی با آمدن دولت مدرن، میان نظم دینی، طبیعی و بیولوژیکی، با نظم کاری فاصله افتاد و افراد جامعه براساس دو نظم، زمان‌های روزانه خود را تنظیم می‌کردند. در ابتدای تغییر دوره‌های زمانی کاری، ساعت‌هایی در ایران مرسوم شد که در عمل دوگونه زمان با آن‌ها تنظیم می‌شد: ۱. ساعت رسمی؛ ۲. ساعتی که فرهنگی، طبیعی و بیولوژیک بود و براساس فاصله با ظهر شرعی فهم می‌شد؛ بخش زیادی از جامعه هنوز زمان را به‌شکل فرهنگی خود تنظیم می‌کردند و چون مجبور بودند با زمان رسمی اداری دولت نیز خود را هماهنگ کنند، از دو زمان برای نظم‌بخشی به زمان کاری استفاده می‌کردند. به‌مرور زمان و گذشت یک سده، فهم زمان فرهنگی از تنظیم زمان کاری و روزمره جامعه ایرانی بسیار کم‌رنگ شد و زمان رسمی مدرن جای آن را گرفت. با کم‌رنگ شدن جدی این فهم فرهنگی از زمان، بسیاری از شیوه‌های زیست و سبک‌های زندگی، مراسم و مناسک، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها، از زندگی افراد و جامعه بیرون رفتند و تنظیمات زندگی بر اساس آن‌ها از بین رفتند و جایگزین‌های تازه‌ای در زیست و سبک زندگی پیدا کردند. به‌عبارت ساده‌تر، با یک تغییر در فهم زمان و منطق فهم زمان در بخشی از امورات یک جامعه، به‌مرور زمان گستره وسیعی از عناصر فرهنگی و بالتبع گستره وسیعی از زیست‌فرهنگی مردم و معناهای همراه با آن‌ها، از زندگی افراد و جامعه بیرون رفتند و اکنون شبی مبهم و کم‌رنگ از آن‌ها در زیست ما باقی مانده است. شاید کسانی که ابتدا این تغییر در فهم و زیست زمان کار را دنبال می‌کردند، فقط از لوازم و ضرورت این فهم از زمان کار، برای شکل‌گیری دولت مدرن سخن می‌گفتند و توجهی به این حجم از اثرات ناخواسته فرهنگی و طبیعی و بیولوژیکی آن نداشتند، ولی به‌وضوح پس از گذشت حدود یک سده، می‌توان حجم گسترده‌ای از عوارض این تصمیم را نشان داد. در گذشته زمان بصورت روزانه فرهنگی، دینی، طبیعی و

بیولوژیک فهم می‌شده، اوقات خواب و بیداری، نمازهای واجب، اوقات کار، اوقات زندگی زناشویی، اوقات مستحبات، اوقات استراحت، اوقات نظافت، اوقات بهداشت و استحمام، اوقات پخت‌وپز، اوقات خوردوخوراک و ... در یک چرخه‌ها یا دوره‌های روزانه نظم و سبک‌های خاصی از زیست را بوجود می‌آوردند و در یک هماهنگی، به زندگی ما روح و معنا می‌بخشیده‌اند، ولی با یک تغییر در فهم و زیست زمان‌کاری، مابقی اوقات روزانه نظم پیشین خود را از دست داده و میان انواع فهم زمانی در زندگی ناهماهنگی به وجود آورده‌اند؛ درواقع، یک شبانه‌روز، دوره‌های رفت‌وبرگشت انسان و خانواده و جامعه را میان روز و شب‌های متوالی تنظیم کرده‌اند که در آن معنای خاصی از رشد و تربیت معنا پیدا می‌کند و با این تغییر در بخشی از فهم زمان شبانه‌روز، کلیه فهم فرهنگی ما در صرف زمان و رشد و تربیت انسانی دچار ناهماهنگی شده است و بسیاری از مشکلات در حوزه های تربیتی، خانواده، کار، تغذیه، استراحت، ... ناشی از این ناهماهنگی ها در فهم زمان با سایر منطق های زمانی است. اگر در آن زمان که در ابتدای این تصمیم قرار داشتیم، طوری این نیاز و ضرورت را تنظیم می‌کردیم که این ناهماهنگی حداقلی باشد و در منطق پایه هماهنگی حفظ می‌شد، به احتمال زیاد، ما تصویر دیگری از زیست اجتماعی و فرهنگی را در حال حاضر در حوزه‌های مختلف شاهد بودیم. البته در حال حاضر هم می‌توان به این مهم پرداخت و از عوارض و نتایج زیاد آن کاست، اما به علت گذشت زمان این تغییر دیگر به راحتی که در ابتدا ممکن بود، ممکن نیست و نیاز به یکی دو دهه زمان دارد تا بتواند این نظم عادت شده را تغییر دهد.

اتفاق فرارو بی‌شبهت به این اتفاقات نیست. اگر در همین ابتدا تصمیم مناسبی گرفته نشود، در آینده باید شاهد حذف طیف وسیعی از سنت‌های فرهنگی و ملی و جایگزینی آن با سنت‌های غربی باشیم که عملاً جامعه را در حوزه زمانی دچار به هم ریختگی بیشتر و هزینه‌های زندگی و درک زندگی در این جامعه را بالا برده و فرسایش روحی و روانی و بالتبع عملی جامعه را رقم خواهیم زد.

بخش سوم: جمع بندی

تصمیم‌گیری در رابطه با تعطیلات یک موضوع بسیار مهم و پیچیده است. علاوه بر کشف میزان اثرگذاری تعطیلات بر مراودات اقتصادی که نقطه کانونی استدلال مدافعین تعطیلی روز شنبه است، فهم تعطیلات به فهم زمان، فهم دوره‌های زمانی و اثرات و نتایجی که این‌ها بر ابعاد مختلف زندگی آحاد جامعه دارند، مرتبط است. بیراه نیست اگر بگوییم فهم تعطیلات، فهم یک امر تاریخی، تمدنی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، جغرافیایی، ... و تنظیمات آنهاست.

به‌طور کلی بهتر است در هر کشور، تعیین تعداد و ساماندهی تعطیلات، بر اساس منطق فرهنگی و اولویت‌های نظام سیاسی آن کشور باشد و با یک آگاهی چندجانبه باید به این حوزه تصمیم‌گیری ورود پیدا کرد. اولویت یافتن منافع اقتصادی ناشی از مبادلات تجاری که در جای خود مهم هستند، نباید به گونه‌ای تدبیر شود که عوارض بسیار گسترده‌ای را در کل زیست آحاد جامعه به همراه بیاورد. علاوه بر این که بهبود یافتن وضعیت اقتصادی به علت مشکلات تاریخی و ساختاری گذشته و حال آن، موضعی پیچیده است و باید در این زمینه نیز متناسب به پشتوانه‌های فرهنگی و سنت‌های فرهنگی و تاریخی به دنبال راه حل‌های پایدار و مناسب گشت و از بخشی دیدن یا ساده‌سازی حل طیف گسترده‌ای از مشکلات اقتصادی با یک تغییر ناهماهنگ با یک فرهنگ و تاریخ احتراز کرد.

به عنوان مثال در حال حاضر نیز زمزمه‌های مبنی بر مشکلات ممکن در آینده نزدیک مبتنی بر همین تعطیلات دامن‌گیر اقتصاد ایران شود در گوشه و کنار شنیده و طرح می‌شود که علاوه بر اثرات فرهنگی و اجتماعی، اثرات اقتصادی مثبتی را برای بخش اقتصادی داخلی نوید نمی‌دهد و برآورد می‌کنند که میزان بلا تکلیفی در حوزه اقتصادی افزایش، طیف‌های زیادی از اقشار پایین دست در حوزه کار دچار خسارت، و میزان مفید بودن زمان‌های کاری کاهش پیدا کند.

باتوجه به تمام این مقدمات، اگر قرار است تغییر در فهم زمان تعطیلی هفتگی اتفاق بیفتد، لازم است که این تغییر بیشترین هماهنگی را با فهم زمان فرهنگی داشته باشد و هر قدر از آن دور شود، جامعه از زیست فرهنگی خود دور و دچار به هم ریختگی در نظام معنایی خواهد شد؛ و بهم ریختگی در نظام معنایی و بی‌قراری که برای یک ملت به همراه می‌آورد، عملاً در میان مدت و بلندمدت ضربه‌های زیادی به زیست و آرامش آحاد جامعه خواهد زد. از این رو، پیشنهاد می‌شود اگر قرار است به تعطیلی هفتگی اضافه شود، این اضافه شدن روز پنج‌شنبه باشد. تغییر فهم دوره زمانی هفتگی از نظم فرهنگی به نظم کاری، مبتنی بر زمان دنیایی و اقتصادی نظام جهانی سرمایه‌داری (با تعطیلی شنبه‌ها)، ما را هر چه بیشتر در زیست روزمره داخلی مان، در این نظم جهانی مستهلک خواهد کرد و امکان شکل‌دهی به یک نظم تمدنی جدید را از ما خواهد گرفت. البته لازم است برای مشکل مراودات جهانی و کاهش اثرات منفی آن بر اقتصاد ایران، به دنبال تدابیر دیگری بود که تا حد امکان خسارت‌های ناشی از این مشکل را کاهش می‌دهد. به نظر می‌رسد علاوه بر تجربیات زیاد کشور در طی ۷۰ تا ۸۰ سال مراوده اقتصادی با جهان و با توجه به تغییراتی که در دوران اخیر در فضای مجازی بوجود آمده، به صفر رساندن آثار منفی افزوده شدن تعطیلات، تا حدود زیادی ممکن و قابل دسترسی است.

پژوهشکده باقر العلوم (ع)